

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۶، شماره ۲

پاییز و زمستان ۱۳۹۴

صفحات ۷۷۳ تا ۷۹۲

مطالعه تطبیقی مشارکت بزهدیدگان در محاکم کیفری بین‌المللی اختصاصی با دیوان کیفری بین‌المللی

محسن لعل‌علیزاده*

استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور، ایران- تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۲۹)

چکیده

در محاکم کیفری اختصاصی پیش از تأسیس دیوان، در دادگاه‌های نسل اول؛ یعنی نورنبرگ و توکیو، متأسفانه نه تنها اشاره‌ای به حقوق و حمایت‌های بزهدیدگان نشده، بلکه حتی واژه «بزهدیده» هم به چشم نمی‌خورد. در محاکم نسل دوم؛ یعنی یوگسلاوی سابق، رواندا و سیرالئون، گرچه پیشرفت‌هایی نسبت به محاکم پیشین در بحث حقوق و مشارکت بزهدیدگان ایجاد شده است، اما به‌طور کلی جایگاهی فراتر از شهود کسب نکرده‌اند. دیوان کیفری بین‌المللی تحت تأثیر تحولات و تجارب به‌دست آمده از محاکم بین‌المللی پیشین، حقوق مشارکتی نسبتاً گسترده‌ای برای بزهدیدگان در مراحل مختلف و با اشکال متنوعی در نظر گرفته است. با وجود محدودیت‌های بسیار در زمینه مشارکت بزهدیدگان، تاکنون رویه قضایی دیوان از تفسیر موسع حقوق مشارکتی حمایت کرده است؛ با این حال، این قضات هستند که در خصوص بازه‌های زمانی، شیوه و میزان مشارکت، تعیین‌کننده شمرده می‌شوند.

واژگان کلیدی

آیین دادرسی، بزهدیده، دیوان کیفری بین‌المللی، محاکم کیفری بین‌المللی اختصاصی، مشارکت.

مقدمه

برای مداخله و مشارکت بزه‌دیدگان در رسیدگی‌ها، به‌طور کلی امکانات و اختیارات متفاوتی وجود دارد؛ از جمله اینکه بزه‌دیدگان می‌توانند در مقام و جایگاه گواهان حضور یافته، اقدام کنند یا طرح دعاوی خسارت نموده، آن را پیگیری کنند یا آنکه در نهایت می‌توانند در فرایندهای کیفری و در جایگاه بزه‌دیده، مشارکت کنند. در این نوشتار شق سوم آن بررسی خواهد شد.

در رسیدگی‌های کیفری، مشارکت بزه‌دیدگان به‌عنوان پیش‌شرط و زمینه‌ساز احقاق حقوق آنان اهمیت شایانی دارد. بررسی تطبیقی حقوق مشارکتی بزه‌دیدگان در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ویژه نسل اول؛ یعنی نورنبرگ و توکیو، و نسل دوم؛ یعنی یوگسلاوی سابق، رواندا و سیرالئون و در نهایت دیوان کیفری بین‌المللی آاز این پس به اختصار، دیوان‌ا و میزان تأثیرپذیری آن‌ها از تحولات نوین عدالت کیفری، به‌ویژه آموزه‌های عدالت ترمیمی و رویکردهای بزه‌دیده‌شناسی، ما را در درک رویکرد این مراجع نسبت به مشارکت بزه‌دیدگان و به‌طور کلی شناسایی موقعیت آنان در حقوق کیفری بین‌الملل یاری می‌کند.

در این نوشتار با بررسی مقررات و رویه حاکم بر محاکم پیش‌گفته، کوشش شده است مفهوم و مصادیق بزه‌دیده و حقوق مشارکتی وی در مراحل آغازگری، تحقیق، دادرسی و تجدیدنظر به‌طور تطبیقی تبیین شود. بدیهی است که مطالعه به این شیوه ما را به درک بهتر سیر تحولات حاکم بر بخشی از حقوق بزه‌دیدگان رهنمون می‌سازد.

مفهوم بزه‌دیده

۱. مفهوم بزه‌دیده در محاکم کیفری اختصاصی

تعیین و بررسی حقوق بزه‌دیدگان و اینکه چه اشخاصی در اعمال و اجرای این حقوق از آن‌ها بهره‌مند می‌شوند، قبل از هر چیز مستلزم واجد شرایط شدن به‌عنوان «بزه‌دیده» است. در سال ۱۹۴۵م، حقوق بشر بین‌المللی هنوز در مرحله جنینی به‌سر می‌برد. دادگاه‌های نظامی بین‌المللی در نورنبرگ و توکیو (شرق دور)، نخستین دادگاه‌های بین‌المللی بودند که مرتکبان جرائم جنگی را تحت پیگرد قرار دادند. مقررات این محاکم نه اشاره‌ای به «بزه‌دیده» کرده و نه تعریفی از این مفهوم ارائه داده‌اند. از بزه‌دیدگان در

برابر این نسل از دادگاه‌ها، به‌عنوان «گروه شکست‌خورده» یاد شده است (شبت، ۲۰۰۷، به نقل از رضوی فرد و فقیه محمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۷).

در ۲۲ فوریه ۱۹۹۳، قطعنامه ۸۰۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد به‌منظور پیگرد اشخاص مسئول نقض جدی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در قلمرو کشورهای یوگسلاوی سابق از سال ۱۹۹۱م تصمیم به ایجاد یک محکمه بین‌المللی گرفت.^۱ در پی آن در ۸ نوامبر ۱۹۹۴ بر اساس قطعنامه شماره ۹۵۵ شورای امنیت، دادگاه رواندا تشکیل شد. اساسنامه این دادگاه ضمیمه قطعنامه یادشده بود. این اساسنامه هدف دادگاه را پیگرد اشخاص مسئول نسل‌کشی و دیگر نقض‌های حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در قلمرو رواندا و نیز تعقیب این جنایات در قلمرو دولت‌های همسایه که از سوی اتباع رواندایی از اول ژوئن ۱۹۹۴ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۴ ارتکاب یافته، معرفی کرده است.^۲

دادگاه ویژه سیرالئون نیز در سال ۲۰۰۰م به‌دنبال و به‌موجب قطعنامه شورای امنیت، پس از توافق میان سازمان ملل و دولت سیرالئون تأسیس شد.^۳ تأسیس این سه محکمه برای رسیدگی به جنایات و بی‌رحمی‌های رخ داده در جهان، پس از یک وقفه قابل توجه از دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نسل اول صورت گرفت (2004, p.232, Glickman).

ماده ۲ آیین دادرسی و ادله دادگاه یوگسلاوی سابق و عین ماده ۲ آیین دادرسی دادگاه رواندا، «بزهدیده» را چنین تعریف کرده است: «شخصی که علیه او یکی از جرائمی که ادعا شده، ارتکاب یافته (allegedly been committed)، و دادگاه نیز صلاحیت رسیدگی آن را داراست».

اعلامیه بزهدیدگان ۱۹۸۵م تعریف متفاوتی به شرح زیر ارائه کرده است: «بزهدیدگان جرائم، اشخاصی هستند که در اثر افعال یا ترک افعال ناقض حقوق کیفری دول عضو

1. Security Council Resolution 808 (1993), S/RES/808, para. 1; http://www.un.org/icty/basic/statut/S-RES-808_93.htm.

2. Security Council Resolution 955 (1994), S/Res/955; <http://69.94.11.53/ENGLISH/Resolutions/955e.htm>.

3. See UN Doc. S/2002/246, para. 58, see also UN Doc. S/RES/1315 (2000); <http://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N00/605/32/pdf/N0060532.pdf?OpenElement>.

شامل حقوقی که سوء استفاده مجرمانه از قدرت را منع نموده‌اند، به صورت فردی یا جمعی به آسیب، از جمله آسیب جسمانی و روانی، رنج عاطفی، زیان اقتصادی، یا لطمه اساسی به حقوق بنیادین خود دچار شده‌اند^۱». بند ۲ این اعلامیه بیان می‌کند که «... واژه بزه‌دیده در صورت اقتضاء شامل خانواده بلافصل یا بستگان بزه‌دیده مستقیم و اشخاصی که در جریان کمک به بزه‌دیده مصیبت‌دیده یا کمک به پیشگیری از بزه‌دیدگی، آسیب‌دیده‌اند نیز می‌شود». این تعریف با تعریفی که در محاکم نسل دوم یعنی یوگسلاوی سابق و رواندا صورت گرفته است، تفاوت‌هایی دارد. نخست اینکه تعریف پیش‌گفته بسیار گسترده‌تر از تعریف مقرر در محاکم یوگسلاوی سابق و روانداست؛ دوم، آیین دادرسی و ادله محاکم یادشده، اشاره‌ای به اینکه آیا اشخاص به‌طور فردی یا گروهی دچار آسیب شده‌اند یا خیر نکرده‌اند؛ سوم، در این محاکم، مطلبی درباره اینکه ترک فعل اثرش مشابه فعل است نیامده است؛ چهارم، رنج‌های عاطفی، خسارات مالی و اقتصادی و غیره در اسناد و مقررات محاکم یادشده به‌چشم نمی‌خورد؛ پنجم، تعریف ارائه‌شده در دادگاه‌های نسل دوم صرفاً شامل قربانیان مستقیم است و شامل اعضای خانواده و اشخاصی که در جریان کمک به بزه‌دیده یا برای کمک به پیشگیری از بزه‌دیدگی دچار آسیب شده‌اند، نمی‌شود.

محاکم یادشده در رویه‌های قضایی خود هیچ تفسیری از ماده ۲ آیین دادرسی و ادله ارائه نداده‌اند و شاید این امر ناشی از این واقعیت است که چون بزه‌دیدگان در این محاکم تنها در نقش شهود حاضر می‌شوند، لذا ضرورتی وجود ندارد که به تبیین ابعاد و جوانب تعریف بپردازند. در واقع بزه‌دیدگان بخشی از شهود شمرده می‌شدند و به این مناسبت مشمول طرح حفاظت قرار می‌گرفتند. این به آن مفهوم است که بزه‌دیدگانی که قصد ادای گواهی نداشتند، از حفاظت بهره‌مند نمی‌شدند. این درحالی است که شهودی که در اثر جرائم ارتكابی تحت صلاحیت این محاکم، بزه‌دیده مستقیم به‌شمار نمی‌آمدند، از حفاظت‌های مقرر برخوردار می‌شدند (Chifflet, 2003, p.77). البته شایان ذکر است که در این محاکم در واقع بیشتر شهود از بزه‌دیدگان بودند.^۲

1. Victim's Declaration. General Assembly Resolution 40/43 (1985), A/RES/40/43, para. 1; <http://www.un.org/documents/ga/res/40/a40r034.htm>.
2. See Ninth Annual Report of the International Tribunal for the Prosecution of Persons Responsible for Serious Violations of International Humanitarian Law Committed in the Territory of the Former Yugoslavia since 1991, A/57/150 of 4 August 2002, <http://www.un.org/icty/rappannu->

در نتیجه باید گفت که آیین دادرسی و ادله محاکم نسل دوم از تعریف ارائه‌شده در اعلامیه بزه‌دیدگان پیروی نکرده و بسیاری از جنبه‌ها را در تعاریف خود مد نظر قرار نداده‌اند و از این حیث محل انتقاد قرار گرفته‌اند (Donat-Cattin, 1999, p.251-255). این انتقادات کاملاً منطقی به نظر می‌رسد، چراکه تعاریف ارائه‌شده در این محاکم، ناقص، بسیار کوتاه و غیردقیق بوده و حقوقی مستقل از شهود برای بزه‌دیدگان در نظر گرفته نشده است.

۲. مفهوم بزه‌دیده در دیوان کیفری بین‌المللی

این که قلمرو و محدوده تعریف واژه «بزه‌دیده» در دیوان چگونه تفسیر شود، از پرسش‌های بنیادینی است که پرداختن به آن دارای اهمیت شایانی است. تفسیر مضیق یا موسع این واژه در رسیدگی‌های آغازین و بعدی بسیار تعیین‌کننده است.

ماده ۸۵ آیین دادرسی و ادله دیوان، طی دو بند، بزه‌دیدگان را تعریف کرده است: «الف) قربانیان به معنای اشخاص حقیقی می‌باشند که در نتیجه ارتکاب هر جرمی که در صلاحیت دیوان قرار دارد، دچار آسیب شده‌اند. ب) قربانیان ممکن است، شامل سازمان‌ها یا نهادهایی شوند که اموالشان اختصاص به مذهب، آموزش، هنر یا علم یا اهداف خیریه یافته و به آثار تاریخی، بیمارستان‌ها، و دیگران اماکن و اشیاء آنها که برای اهداف بشردوستانه می‌باشد، آسیب مستقیم وارد شده است».

ماده یادشده در بند «الف» مقرر می‌دارد که دراصل فقط اشخاص حقیقی می‌توانند بزه‌دیده باشند؛ درحالی که در بند «ب»، استثنایی بر این قاعده وضع شده است، به این نحو که سازمان‌ها و نهادهایی که شرایط اضافی معینی را احراز کنند، می‌توانند قربانی شمرده شوند. از عبارت‌پردازی ماده ۸۵ آیین دادرسی و ادله، و اشاره به «ارتکاب جرمی» در تعریف بزه‌دیده، به نظر می‌رسد که این تعریف با رویکرد جرم‌شناختی منطبق باشد. به کار رفتن عبارت «دچار آسیب شده‌اند»، پس از عبارت ارتکاب جرم، به این معناست که شناسایی یک شخص به‌عنوان بزه‌دیده بعد از ارتکاب جرم صورت می‌گیرد. لذا اطلاق این عنوان مستلزم احراز مجرمیت و محکومیت فرد نیست. اما از آنجا که در این تعریف از اوصافی چون «ادعا شود» یا «به‌طوری که ادعا شده است» استفاده نشده

است، لذا موقعیت قربانی زمانی رخ می‌دهد که در خصوص یک ارتکاب جرم- و نه مجرمیت- قضاوت نهایی صورت گرفته باشد.

برابر بند «ب» ماده ۸۵، سازمان‌ها و مؤسسات تنها در صورتی بزه‌دیده شمرده می‌شوند که به‌طور مستقیم دچار آسیب شده باشند و دیگر آنکه این آسیب باید مستقیماً متوجه آن دسته از دارایی‌های آنان باشد که به مذهب، آموزش، هنر یا علم یا اهداف خیریه اختصاص یافته است یا متوجه ابنیه تاریخی، بیمارستان‌ها، و دیگر اماکنی شده باشد که به‌منظور اهداف بشردوستانه ایجاد شده‌اند. عبارت‌پردازی این بند محدودیت‌هایی را در نظر گرفته است و آسیب به منفعت اقتصادی را کافی نمی‌داند. مفاهیم تعریف‌نشده‌ای همچون «آسیب مستقیم»، «اختصاص یافته به مذهب، آموزش، هنر یا علم یا اهداف خیریه» و «اماکن و اشیای در نظر گرفته برای اهداف بشردوستانه» نیاز به تفسیر دارند. دیوان تاکنون در رویه خود آن گونه که بایسته است به این نکته‌ها توجه و آن‌ها را تفسیر نکرده است. به‌رحال، در دیوان این قضات هستند که محدوده اشخاص حقوقی را طبق صلاحدید خودشان تعیین و تبیین می‌کنند.

مشارکت بزه‌دیدگان

۱. مشارکت بزه‌دیدگان در مرحله آغاز رسیدگی‌ها

۱.۱. مشارکت در آغاز رسیدگی‌ها در محاکم اختصاصی

اساسنامه و آیین دادرسی هیچ‌کدام از محاکم دادگاه‌های نظامی بین‌المللی در نورنبرگ و توکیو، نه‌تنها به حقوق و حمایت‌هایی از بزه‌دیدگان اشاره‌ای نکرده‌اند، بلکه واژه «بزه‌دیده» را هم به‌کار نبرده‌اند. این دادگاه‌های نظامی طبق آیین دادرسی ناقص و ابتدایی عمل می‌کردند و درنهایت نیز شمار اندکی از قربانیان، آن‌هم به‌عنوان شاهد برای ادای گواهی فراخوانده شدند. پرونده‌ها به‌طور عمده بر پایه دلایل و مستندات مفصلی که از خود نازی‌ها گردآوری شده بود، تشکیل و بررسی گردید. لذا در مجموع در این دسته از محاکم نظامی، نه از قربانیان یادی شده و نه هیچ حقوقی برای آنان در نظر گرفته شده بود؛ به نحوی که درواقع قربانیان به‌طور کامل نادیده گرفته شدند.

حقوق بزه‌دیدگان در فاصله میان جنگ جهانی دوم و تأسیس دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا در چندین معاهده بین‌المللی با عبارات کلی پذیرفته شده است. در نوامبر

۱۹۸۵ طی قطعنامه ۴۰/۳۴ مجمع عمومی سازمان ملل، یکی از این اسناد مهم به تصویب رسید. این سند با عنوان اعلامیه اصول بنیادین عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت^۱ می‌باشد که به صورت اختصار به «اعلامیه بزه‌دیدگان» مشهور است. در حقیقت، سند یادشده نقطه عطفی در زمینه حقوق، حمایت‌ها و حفاظت‌های لازم پیرامون بزه‌دیده شمرده می‌شود.

اصول اساسی مندرج در این اعلامیه به‌طور کلی دولت‌ها را مخاطب قرار داده است، اما به طریق اولی این اصول، اشخاص حقوق جمعی متشکل از دولت‌ها نظیر محاکم کیفری بین‌المللی را نیز به‌طور ضمنی خطاب قرار می‌دهد (Clark and Tolbert, 1999, p.102).

در این اعلامیه به چهار دسته از حقوق و مطالبات بزه‌دیدگان یعنی دسترسی به عدالت و رفتار منصفانه، جبران خسارت، غرامت، و مساعدت اشاره شده است. همگام با این تحولات و پیشرفت‌های بین‌المللی، در نظام‌های عدالت کیفری ملی بسیاری از کشورها نیز شاهد آغاز توجه بیشتر به نقش، نگرانی‌ها و حقوق بزه‌دیدگان از جرم هستیم. از دهه ۱۹۶۰ به بعد «جنبش بزه‌دیدگان» (Victims' movement) ظهور و شروع به گسترش فعالیت‌های خود نمود (Aldana-Pindell, 2004, p.621). این جنبش مدافع و حامی افزایش نقش و حقوق بزه‌دیدگان جرائم در روند رسیدگی عدالت کیفری شمرده می‌شود (Tobolowsky, 2001, p.7).

تدوین‌کنندگان اساسنامه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا معتقدند که اجازه مشارکت بزه‌دیدگان می‌تواند به دخالت در حوزه اختیارات و وظایف دادستانی، انحراف اذهان قضات دادگاه از موضوعات اصلی و درنهایت، اطاله دادرسی منجر شود (Mouthaan, 2013, p.625).

در مقایسه با اساسنامه‌های محاکم نسل اول، یعنی محاکم نظامی نورنبرگ و توکیو، در اساسنامه‌ها و آیین دادرسی و ادله محاکم یوگسلاوی سابق و رواندا به بزه‌دیدگان اشاره‌هایی شده است. لذا به‌نظر می‌رسد که بنیان و تدوین‌کنندگان اسناد محاکم پیش‌گفته، دست‌کم نیم‌نگاهی به اعلامیه بزه‌دیدگان داشته‌اند.

1. General Assembly Resolution 40/43 (1985), A/RES/40/34, <http://www.un.org/documents/ga/res/40/a40r034.htm>. Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power

۱.۲. مشارکت در آغاز رسیدگی‌ها در دیوان کیفری بین‌المللی

رخداد پدیده بزهکارانه، آغازگر ایفای نقش بزه‌دیده در سازمان دادگستری کیفری است.^۱ در زمینه نقش بزه‌دیده به‌عنوان آغازگر تعقیب کیفری، برخی نظام‌ها با اتخاذ رویکردی ایستا، دخالت بزه‌دیده را محدود ساخته، در مقابل، بیشتر نظام‌های کیفری به‌ویژه نظام کیفری اسلام، نقشی پویا و تأثیرگذار برای آنان در نظر گرفته‌اند؛ به‌نحوی که تعقیب پاره‌ای از دعاوی کیفری صرفاً به خواست بزه‌دیده وابسته است.^۲

ماده ۱۳ اساسنامه به‌ترتیب سه شیوه مختلف را برای آغاز رسیدگی‌ها و تحقیقات معرفی کرده است: الف) یک دولت عضو، وضعیتی را که به‌نظر می‌رسد در آن یک یا چند جرم رخ داده است، به دادستان ارجاع نماید. ب) شورای امنیت وضعیت یادشده را به‌موجب فصل هشتم منشور ملل متحد به دادستان ارجاع دهد. ج) دادستان تحقیقاتی را در خصوص آن جرم شروع کرده باشد.

بزه‌دیدگان، برخلاف نظام‌های حقوق کیفری ملی، تحت هیچ شرایطی نمی‌توانند به‌طور مستقیم آغازگر تحقیقات باشند (Bottigliero, 2004, p.217)، بلکه آنان فقط می‌توانند به دادسرا اطلاعاتی ارائه نمایند.

اساسنامه رم برای بزه‌دیدگان حق واقعی در آغازگری رسیدگی‌ها را به‌رسمیت نشناخته و در این مرحله حقوق مشارکتی آنان بر شروع تحقیقات بسیار محدود است.

۲. مشارکت بزه‌دیدگان در مرحله رسیدگی مقدماتی (تحقیق)

۱.۲. مشارکت در رسیدگی مقدماتی در محاکم اختصاصی

برای مداخله و مشارکت بزه‌دیدگان در رسیدگی‌ها، به‌طور کلی امکانات و اختیارات

۱. برای مطالعه بیشتر پیرامون اهمیت مشارکت بزه‌دیده ر.ک. مهرداد رایجیان اصلی، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، تهران، دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۷۶-۷۴.

۲. آیین دادرسی کیفری ایران همواره رویکرد بزه‌دیده مدار را در طرح دعاوی کیفری مربوط به جرم‌های گذشت‌پذیر و دعوای خصوصی پذیرفته است تا از رهگذر باز کردن درهای شبکه کیفری به‌روزی قربانی جرم، امکان مداخله وی در تعیین سرنوشت دعاوی دوگانه مرتبط با بزهکاری فراهم شود (برای مطالعه بیشتر ر.ک. امیرحسین نظام‌پور، نقش بزه‌دیده در چگونگی پاسخ‌دهی به بزهکاران، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۷، ۱۳۹۱، ص ۳۸۴-۳۴۷).

متفاوتی وجود دارد؛ از جمله اینکه بزه‌دیدگان می‌توانند در مقام و جایگاه گواهان، حضور یافته و اقدام نمایند یا طرح دعوی خسارت نموده، آن را پیگیری کنند و یا آنکه در نهایت می‌توانند در فرایندهای کیفری در جایگاه بزه‌دیده مشارکت جویند. در این نوشتار شق سوم بررسی خواهد شد.

اساسنامه، آیین دادرسی و ادله دادگاه یوگسلاوی پیشین با ابتدای بر مدل ترافعی (Adversarial model) حقوق کیفری انگلوساکسون، نقش بزه‌دیده را صرفاً به‌عنوان گواه یکی از طرفین رسیدگی شناسایی کرده‌اند (Doak, 2005, P.294). به‌طور کلی محاکم یوگسلاوی سابق، رواندا و سیرالئون، مشارکت بزه‌دیدگان را در نقش و موقعیت خود در نظر نگرفته‌اند. ماده ۲ آیین دادرسی و ادله یوگسلاوی سابق در تبیین واژه «طرف» (Party)، بزه‌دیده را به‌عنوان یکی از اطراف دعوا به‌شمار نیاورده است و بزه‌دیده حق سروکار داشتن با دادگاه‌ها و رسیدگی‌ها را به‌عنوان بزه‌دیده از آن حیث که بزه‌دیده است^۱، ندارد. لذا بزه‌دیده صرفاً به‌عنوان گواه در دادگاه حضور می‌یابد؛ آن‌هم در صورتی که یکی از اطراف پرونده تقاضایی صریح داده باشد که مؤثر واقع شود. بزه‌دیده اختیار داشتن وکیل، حق حضور در جلساتی را که شهود در آن گواهی می‌دهند و نیز حق دسترسی به محتویات، دلایل و مدارک پرونده و آگاهی از آن‌ها را ندارد. حتی فراتر از این‌ها، از حقوق مشارکتی بنیادینی همچون بیان حقایق در طول دادرسی و اتیان سوگند هم برخوردار نیست^۲ و در نهایت اینکه قربانی، حق پیگیری و تعقیب دعوای کیفری علیه مرتکبان را ندارد. حداکثر کاری که بزه‌دیده می‌تواند در این راستا انجام دهد، آگاه‌سازی مقام تعقیب در خصوص بروز جرائم است (van Boven, 1999, P.21). بدیهی است که نگاه به بزه‌دیدگان در چنین نظام به‌اصطلاح عدالت کیفری، صرفاً نگاه ابزاری است. چنان‌که گفته شد، در این نظام بیش از آنکه عدالت در خدمت منافع بزه‌دیدگان باشد، بزه‌دیدگان در خدمت منافع عدالت هستند و اگر در یک زمان واحد

۱. Victim qua victim (Qua واژه لاتین است به معنای من حیث هو و در ظرفیت، پس از این کلمه نام نهاد یا شخصی برده می‌شود؛ مثلاً دولت، و مقصود آن است که دولت در ظرفیت خود به‌عنوان دولت، ر.ک. به طالقانی، محمدعلی، فرهنگ اصطلاحات حقوقی لاتین- فارسی. تهران: نشر یلدا، چاپ اول، ۱۳۷۳، ص ۱۴۰).

2. See Rule 77, Rule 91 RPE.

این منافع موافق و همسو نباشد، این منافع بزه‌دیده است که نادیده گرفته شده یا حتی به آن تعرض می‌شود.

۲.۲. مشارکت در رسیدگی مقدماتی در دیوان کیفری بین‌المللی

برخلاف مرحله دادرسی، قواعد شکلی دیوان، تمایز دقیقی میان مرحله تحقیقات و مراحل بعدی رسیدگی‌ها قائل نشده است. اما به نظر می‌رسد به موجب ماده ۵۸ اساسنامه، به محض آنکه دادستان تحقیقات به عمل آمده را ضمن درخواستی به شعبه مقدماتی ارسال نمود و شعبه مقدماتی با بررسی این درخواست و ادله و دیگر اطلاعاتی که ارائه شده است، دستور بازداشت یا احضار شخص را صادر کرد و متهم تحویل دیوان شد و یا در دیوان حاضر گردید، مرحله مقدماتی «به معنای اخص» (Strictu sensu) آغاز شده است (Marchesiello, 2002, p.1239; Olasolo, 2005, p.284). قربانیان در صورتی می‌توانند طبق ماده ۶۸(۳) اساسنامه مشارکت داشته باشند که این ماده برای این مرحله از رسیدگی‌ها قابل اجرا باشد. برگزاری جلسات به موجب ماده ۶۱ اساسنامه می‌تواند نخستین بخش از رسیدگی‌های دیوان تلقی شود. دست کم مرحله تحقیق یک وضعیت با صدور یک دستور بازداشت کامل می‌شود. از آنجا که این قسمت از پژوهش پیش رو، اختصاص به مشارکت بزه‌دیدگان در مرحله رسیدگی مقدماتی دارد، شاید در نگاه اول، این پرسش به ذهن برسد که به چه دلیل، مندرجات ماده ۶۸(۳) که در فصل «دادرسی» آمده است، می‌تواند به یک مرحل قبل‌تر، یعنی مرحله رسیدگی مقدماتی، تعمیم یابد. در پاسخ به این پرسش باید به این نکته اشاره کرد که هرچند ماده ۶۸ در فصل ششم با عنوان «دادرسی» گنجانده شده است، ولی از آنجا که در ماده ۶۸ به «رسیدگی‌ها» اشاره کلی می‌کند و محتوای آن، کاربرد و اجرای آن را به همه مراحل رسیدگی از جمله رسیدگی مقدماتی تسری می‌دهد و به این موضوع بارها در عبارات این ماده اشاره شده است (Donat-Cattin, 1999, p.289)؛ بنابراین احکام این ماده را می‌توان برای مشارکت در مرحله رسیدگی مقدماتی نیز جاری دانست (Nainar, 2000, p.4). نویسندگان بسیاری نیز بر این امر که مشارکت در این مرحله به موجب ماده ۶۸ اساسنامه امکان‌پذیر است، صحه گذاشته‌اند (Donat-Cattin, 1999, p.873, 2001, Friman, p.216).

به‌طور خلاصه، دیوان در رسیدگی‌های مقدماتی و جلسات تعیین وضعیت به‌موجب

مواد (۳) ۱۹ و ۱۸ اساسنامه، حقوق مشارکتی محدودی به بزهدیدگان اعطا کرده است. دست کم در یک نگاه اجمالی، ماده (۳) ۶۸ اساسنامه، حقوق مشارکتی جامع‌تری از رسیدگی‌های مقدماتی را پذیرفته است، اما با نگاه دقیق‌تر باید گفت که این حق می‌تواند با محدودیت‌های بیشتری روبرو شود. دیوان در اولین تصمیم خود در این باره، اجازه مشارکت به‌طور ناشناس را پذیرفته است. به‌طور کلی مشارکت در مرحله رسیدگی مقدماتی، محدودتر از مرحله دادرسی است.

۳. مشارکت بزهدیدگان در مراحل دادرسی و تجدیدنظر

۳.۱. مشارکت در مراحل دادرسی و تجدیدنظر در محاکم اختصاصی

در زمینه محاکم اختصاصی نسل اول، همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، مشارکت بزهدیده در موقعیت و جایگاه خود در هیچ مرحله‌ای، به‌ویژه مراحل دادرسی و تجدیدنظر، شناسایی نشده است. در رسیدگی‌های محاکم نسل دوم نیز هرچند امکان مشارکت برای بزهدیده وجود نداشت، اما در عمل در برخی موارد شاهد بروز جنبه‌هایی از مشارکت-هرچند به‌طور ناقص- بودیم. برای نمونه در پرونده «کریستیچ» (Kristic case) برخلاف قاعده، قضات به شاهدانی که خود بزهدیده هم بودند، در خاتمه ادای گواهی اجازه دادند که به‌طور آزادانه صحبت کنند. البته این موضوع انتقادات بسیاری را برانگیخت، چراکه گفته شده است که شهود قربانی با تشریح رخدادها و بیان سرگذشتشان- که بی‌ارتباط با گناهکاری و ارزیابی میزان تقصیر متهمان و مرتکبان بود- موجبات اطالعه دادرسی و تعرض به سرعت و فوریت رسیدگی‌ها به‌عنوان یکی از استانداردهای محاکمه منصفانه را فراهم آوردند (Dembour and Haslam, 2004, P.151).

با اینکه تأکید شده است که بیان سرگذشت از سوی بزهدیده از حیث روان‌شناختی موجب التیام است (نجفی ابرندآبادی و سایرین، ۱۳۸۴، ص ۶۲)، نه در اساسنامه و نه در آیین دادرسی دادگاه یوگسلاوی سابق، در ابتدا مقرره‌ای برای بیان اظهارات قربانی وجود نداشت، اما پس از آن در ماده ۹۲ مکرر آیین دادرسی و ادله، این امر به این صورت پذیرفته شد که ادله شاهد به اثبات موضوعی، غیر از اعمال و رفتار متهم که در کیفرخواست درج شده است، بینجامد. در این صورت شعبه دادرسی می‌تواند این ادله شاهد را به جای شهادت شفاهی به شکل لایحه مکتوب بپذیرد. واضح است که این

مداخله هم‌تراز با مشارکت بزه‌دیده در معنای واقعی نیست؛ چراکه اولاً، ماده ۹۲ مکرر صرفاً شامل بزه‌دیدگانی می‌شود که از موقعیت شهود برخوردار شده‌اند. دوم اینکه اظهارات به‌طور شفاهی گرفته نمی‌شود. سوم، مضامین و مفاد اظهارات محدود به مواردی خاصی است. چهارم، اخذ اظهارات مکتوب صرفاً شامل مرحله دادرسی به‌معنای خاص شده، مراحل دیگر را دربر نمی‌گیرد و درنهایت و مهم‌تر اینکه بزه‌دیدگان راساً و ابتدائاً حقی برای ارائه آراء و اظهارات مکتوب ندارند و این اطراف پرونده هستند که می‌توانند تصمیم بگیرند که اظهارات مؤثر قربانی ارائه شود یا خیر.

در دادگاه رواندا وضعیت مشارکت اندکی متفاوت است؛ هرچند که در اساسنامه و آیین دادرسی این دادگاه هم امکانی برای مشارکت بزه‌دیدگان در جایگاه خود به‌عنوان بزه‌دیده - نه شاهد - مقرر نشده است، ولی در پاره‌ای از وضعیت‌ها، «دوست دادگاه»^۱ در خصوص بزه‌دیده به چشم می‌خورد. در پرونده «جین پاول آکایسو»^۲، سازمان مردم‌نهاد «ائتلاف برای حقوق بشر در اوضاع جنگی» در سال ۱۹۹۷م به‌عنوان «دوست دادگاه» در دادرسی‌ها مشارکت جسته، بازبینی و تجدیدنظر کیفرخواست و ادله مندرج به‌منظور انتساب برخی اتهامات زنا‌ی‌عنف و سایر خشونت‌های جنسی را از دادستان درخواست کرد. دیگر آنکه پیشنهاد کرد که زنا‌ی‌عنف و تجاوز اگر به صورت گسترده باشد، باید دادگاه آن را به‌عنوان اتهام نسل‌کشی در نظر بگیرد.^۳

در پرونده دیگری که در آن دولت رواندا در ۲۰ آوریل ۱۹۹۸ به‌عنوان دوست دادگاه در آن مداخله داشت، پرونده «باگوسورا»^۴ بوده که این مشارکت با هدف در نظر گرفتن موضوعاتی نظیر جبران، اعاده وضعیت به حال سابق و پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان صورت گرفت.^۵

با این همه، دادگاه رواندا نیز امکان مشارکت بزه‌دیدگان را در موقعیت خود به‌عنوان بزه‌دیده مد نظر قرار نداده است؛ هرچند نسبت به محاکم سلف خود تاحدودی درجات و

۱. «Amicus Curia» به معنای دوست دادگاه است؛ لذا هرگاه در دعوایی منافع شخص ثالثی مطرح باشد (مانند کانون وکلا در دعوی میان وکیل و موکل)، دادگاه به آن شخص ثالث اجازه می‌دهد که به‌عنوان دوست و یاور دادگاه در دادرسی حضور یافته، دیدگاه‌های خود را بیان کند.

2. Jean-Paul Akayesu Case; See Case No. ICTR-96-4.

3. See Prosecutor vs. Jean-Paul Akayesu, Case No. TPIR-96-7-I.

4. Bagosora Case; See Prosecutor vs. Jean-Paul Akayesu, Case No. TPIR-96-7-I.

5. See Fondation Hironnelle at: <http://www.hironnelle.org/hironnelle.nsf/0/48946d8be58a37270c125680100703134?OpenDocument>.

سطوح بیشتری از مشارکت ثالث را فراهم آورده است.

۳.۲. مشارکت در مراحل دادرسی و تجدیدنظر در دیوان کیفری بین‌المللی

پس از تأیید اتهامات از سوی شعبه مقدماتی، شعبه دادرسی به‌موجب بند «الف» ماده ۶(۶۱) و ۶۱(۱۱) اساسنامه، مسئول رسیدگی‌های بعدی است. بر این اساس، در پی تأیید اتهامات، هیئت رئیسه دیوان یک شعبه بدوی محاکمه را برای اداره مراحل بعدی اختصاص خواهد داد. اگر اوضاع و احوال و شرایط خاصی که انتخاب شیوه متفاوت حل و فصل را ایجاب کند وجود نداشته باشد، اصولاً برابر ماده ۶۴(۷) اساسنامه، دادرسی باید به صورت علنی انجام شود. شعبه دادرسی باید اطمینان حاصل کند که محاکمه به‌نحو منصفانه، سریع و با رعایت کامل حقوق متهم اداره و انجام می‌شود و توجه شایان و مناسبی نیز برای حفاظت از بزهدیدگان و شهود به‌عمل می‌آید.^۱

مرحله دادرسی، با تفهیم اتهامات قبلی تأییدشده از سوی مرحله قبلی، یعنی شعبه رسیدگی مقدماتی، به متهم آغاز می‌شود.^۲ برابر ماده ۱۴۱ آیین دادرسی و ادله، رئیس شعبه اولاً اعلام می‌کند که در چه زمانی ارائه ادله پایان می‌پذیرد و دوم اینکه از دادستان و وکیل مدافع برای طرح اظهارات پایانی خود، دعوت می‌کند. وکیل مدافع همیشه فرصت صحبت کردن به‌عنوان آخرین شخص را دارد و سپس به‌موجب ماده ۷۴ اساسنامه و ۱۴۲ آیین دادرسی و ادله، شعبه دادرسی ختم رسیدگی را اعلام کرده، برای انجام شور و مشورت به‌طور غیرعلنی تشکیل جلسه می‌دهد و به کلیه شرکت‌کنندگان در جلسات، تاریخی را که تصمیم خود را اعلام می‌کند، اطلاع می‌دهد. این اعلام ظرف مدت زمانی معقول صورت می‌گیرد.

در واقع، مقررات محوری مشارکت بزهدیدگان را در ماده ۶۸ اساسنامه شاهد هستیم. مشارکتی که مستلزم این نیست که بزهدیدگان، شاهد هم باشند. ماده ۶۸(۳) نسبتاً مبهم است و از طریق تفسیر مواد ۸۹ تا ۹۳ آیین دادرسی و ادله، شکل اجرایی پیدا می‌کند. از مجموع مقررات و دقت در آنها، شیوه‌های مختلف مشارکت درک می‌شود که در اینجا به اختصار به آنها می‌پردازیم:

۱. ماده ۶۴(۲) اساسنامه.

۲. ماده ۶۴(۸) اساسنامه.

- حق حضور. به موجب ماده (۷) ۶۴ اساسنامه، دادرسی اصولاً به طور علنی برگزار می شود؛ با این حال، شعبه دادرسی می تواند بنابه دلیل یادشده در ماده (۳) ۶۸ یا به منظور حفاظت از اطلاعات حساس و محرمانه ای که به عنوان دلیل قرار است ارائه شود، دستور انجام مراحل از دادرسی را به صورت غیرعلنی صادر کند. مادامی که جلسات به صورت علنی برگزار می شوند، بزه دیدگان حق حضور در آن جلسات را دارند، اما حق فراگیرتر برای حضور در رسیدگی های غیرعلنی به موجب ماده ۶۳ اساسنامه به متهم و نیز برابر قاعده (۲) ۹۱ به نماینده قانونی بزه دیده محدود شده است (Mekjian and Varughese, 2005, p.18).
- طرح اظهارات. در ماده (۳) ۶۸ اساسنامه، صرفاً به ارائه دیدگاه ها و نگرانی ها اشاره شده است و لذا به اختیار طرح «اظهارات» تصریحی ندارد. با وجود این، قاعده ۸۹ آیین دادرسی و ادله بیان می کند که اظهارات آغازین و پایانی از جمله روش های ممکن برای مشارکت بزه دیدگان است که دیوان طرح آن ها را مجاز تلقی می کند. واژه اظهارات اشاره به این دارد که مشارکت گفتاری یا شفاهی همان چیزی است که مورد انتظار است. با این همه، عبارت پردازی قاعده اخیر هیچ جزئیات دیگری را در خصوص شیوه بیان اظهارات آغازین و پایانی و محتوای آن ها مشخص نمی کند.
- اظهار عقاید. از قاعده (۲) ۹۲ حق اظهار عقاید (Right to make observations) برای بزه دیدگان استنباط می شود. فراز پایانی این قاعده نیز ارائه مکتوب و شفاهی آرا و نظریات را امکان پذیر می کند. اساسنامه و قواعد دیوان به روشنی به وجه تمایز «Observations» از «statements» یا «submissions» نپرداخته است. به نظر می رسد «statements» کارکرد ارائه اجازه به بزه دیده برای سخن گفتن آزادانه را دارد، حال آنکه «observations» ظهور و تبادر در به کارگیری این واژه در جهت توضیح و تفسیر یا پاسخ دادن و واکنش به سایر آرای^۱ ارائه شده از سوی طرفین [یعنی دادستان و متهم] است

1. See for instance Legal representative of victims, Situation en république démocratique du Congo Le Procureur c. Thomas Lubanga Dyilo, Observations du Représentant légal des victimes VPRS 1 à 6 suite aux observations du Procureur et du Conseil de la défense, au sujet du statut de victime de demandeurs VPRS 1 à VPRS 6 dans le cadre de l'affaire „Le Procureur c. Thomas Lubanga Dyilo“

(Garner, 1999, p.213). به عبارت دیگر «observations» به پرسش‌های از پیش مطرح شده تمرکز دارد، اما «submissions» همان‌طور که در ادامه خواهیم دید، اجازه می‌دهد که موضوعات جدیدی طرح شود.

- ارائه پیشنهادها. عبارت‌پردازی قاعده (۲) ۹۱ نشانگر این مطلب است که بزه دیدگان حق ارائه پیشنهادها را به‌طور شفاهی مادامی که مداخله محدود به ارائه مکتوب مطالب نشده است، دارند.^۱ حق ارائه پیشنهادها، اختصاص به نماینده قانونی بزه‌دیده دارد و متفاوت از اظهار عقاید است؛ چراکه اظهار عقاید، متمرکز بر مسائلی است که پیش از این به آن پرداخته شده است، ولی ارائه پیشنهادها، اجازه طرح موضوعات جدید است (Mekjian and Varughese, 2005, p.27). طبق مقررات دیوان، برای مشارکت بزه‌دیدگان از طریق نمایندگان قانونی، محدودیت‌هایی از جمله ارائه درخواست کتبی به دیوان و انحصار اظهار نظر نماینده به صورت کتبی در نظر گرفته شده است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۵).

- پرسش از گواهان، کارشناسان و متهمان. حق پرسش و بازجویی از شاهد، کارشناس یا متهم، اصولاً در قاعده (۳) ۹۱ در نظر گرفته شده است (Harhoff, 2001, p.649)، لکن این حق صرفاً از طریق نماینده قانونی، قابل اعمال و اجراست.

- حق ارائه ادله. به‌موجب مواد ۶۴، ۶۷ و ۶۹ اساسنامه، طرفین مسئول ارائه دلیل قلمداد می‌شوند و قاعده (۱) ۱۴۰ آیین دادرسی و ادله نیز اشاره به این دارد که شیوه ارائه دلیل می‌تواند مستقیم باشد.

از آنجا که بزه‌دیدگان به معنای واقعی و دقیق کلمه یکی از اطراف دعوا یا متداعیین شمرده نمی‌شوند، لذا در آغاز کار به‌نظر نمی‌رسد که از حق ارائه ادله برخوردار بوده، قادر باشند درخواست فراخوانی شهود یا کارشناسان را بدهند تا آنان در رسیدگی‌های کیفری، شهادت و دیدگاه‌های تخصصی خود را مطرح کنند (Bassiouni, 2006, p.245).

of 31 May 2006, Case No. ICC-01/04-01/06-132 at page 4.

1. Situation in the Democratic Republic of the Congo **Prosecutor vs. Thomas Lubanga Dyilo**, written submissions of the legal representative of victim a/0105/06 of 1 December 2006, Case No. ICC-01/04-01/ 745-tFR at page 2.

- حق بررسی سوابق (اسناد و مدارک ثبت شده). اساسنامه و قواعد و مقررات دیوان هیچ‌یک به این مسئله نپرداخته‌اند که آیا قربانیان می‌توانند به ادله دسترسی داشته باشند یا خیر (Aldana-Pindell, 2004, p.660).
- مشارکت کارآمد و اثربخش قربانیان، مستلزم برخورداری از حق بررسی سوابق و اسناد رسیدگی‌هاست. به موجب قواعد ۸۹ تا ۹۱ آیین دادرسی و ادله، در صورتی که بزه‌دیده سابقاً تقاضانامه مشارکت را به درستی ارائه داده باشد، حق مراجعه و دسترسی به محتویات یادشده در قاعده ۱۳۱ به صراحت به بزه‌دیدگان یا نمایندگان قانونی آنان داده شده است.
- دادستان و محکوم‌علیه به موجب ماده ۸۱ اساسنامه، حق تجدیدنظر خواهی نسبت به احکام براءت یا محکومیت یا تعیین مجازات را دارند. در این ماده حق تجدیدنظر خواهی برای بزه‌دیده شناسایی نشده است. تنها حق صریح برای بزه‌دیدگان به منظور تجدیدنظر خواهی، در ماده (۴) ۸۲ اساسنامه آمده و طی آن به بزه‌دیدگان اجازه داده است که از تصمیم مربوط به جبران خسارت، تجدیدنظر خواهی کنند (McDonald, 2002, p.272).
- در صورتی که اثبات شود رسیدگی‌های مندرج در ماده (۳) ۶۷، رسیدگی‌های مرحله تجدیدنظر را هم دربر می‌گیرد، دیوان مشارکت بزه‌دیدگان را در مرحله تجدیدنظر خواهد پذیرفت. به موجب قاعده ۱۴۹ آیین دادرسی و ادله، و بخش ۵ و ۶ اساسنامه، قواعد حاکم بر رسیدگی‌ها و ارائه ادله در شعبه رسیدگی مقدماتی و دادرسی، با تغییرات جزئی در رسیدگی‌های شعبه تجدیدنظر اعمال می‌شود؛ لذا به نظر می‌رسد ماده (۳) ۶۸ نیز با تغییرات جزئی در رسیدگی‌های تجدیدنظر اعمال خواهد شد.
- قرینه دیگری که مؤید این است که مشارکت در مرحله تجدیدنظر امکان‌پذیر است، قابل اجرا و اعمال بودن قاعده ۱۴۹ است. در این قاعده آمده است که بخش‌های ۵ و ۶ و مقررات حاکم بر جلسات رسیدگی و مستندات و ادله ارائه شده در شعبه مقدماتی و دادرسی با اعمال تغییراتی لازم در جلسات رسیدگی شعبه استیناف نیز اعمال می‌شود. افزون بر این، در فرم تقاضانامه مشارکت قسمتی وجود دارد که متقاضی باید تعیین و علامت‌گذاری نماید که آیا درخواست مشارکت در مرحله تجدیدنظر را دارد یا خیر؛ لذا اگر بنا بود مشارکت در این مرحله مستثنا گردد، وجود این بخش در تقاضانامه موجبی نداشت.

پیش از این در تصمیم‌گیری‌های اولیه دادستان^۱ و شعبه دیوان^۲، آن‌ها با ابتنا بر این فرض عمل کردند که مشارکت بزه‌دیدگان در مذاکرات و تمهیدات مرحله تجدیدنظر خواهی امکان‌پذیر خواهد بود؛ لذا به موجب ماده ۸۱، آنان اجازه مشارکت در روند تجدیدنظر خواهی را خواهند داشت.

نتیجه

در محاکم کیفری اختصاصی پیش از تأسیس دیوان، در دادگاه‌های نسل اول؛ یعنی نورنبرگ و توکیو، متأسفانه نه تنها اشاره‌ای به حقوق و حمایت‌های بزه‌دیدگان نشده است، بلکه حتی واژه «بزه‌دیده» هم به چشم نمی‌خورد. در محاکم نسل دوم؛ یعنی یوگسلاوی سابق، رواندا و سیرا لئون، گرچه پیشرفت‌هایی نسبت به محاکم پیشین در بحث حقوق و مشارکت بزه‌دیدگان ایجاد شده است، ولی همان‌طور که گفته شد، تدوین‌کنندگان اساسنامه‌های دادگاه‌های اخیر، چندان به مشارکت افراد به‌عنوان بزه‌دیده و اثربخشی مثبت و حضور آنان در رسیدگی‌ها اعتقادی نداشتند و حتی گاهی مشارکت را موجب اطاله دادرسی، مداخله در حوزه اختیارات دادستانی و انحراف اذهان قضات دادگاه تلقی می‌کردند و در نتیجه، بزه‌دیده در این محاکم فقط در موقعیت شاهد، اجازه حضور و ارائه مطلب داشت. در واقع، بزه‌دیدگان در این محاکم، بخشی از شهود شمرده می‌شدند و به این دلیل بود که مشمول طرح‌های حفاظتی و حمایتی قرار می‌گرفتند.

یکی از دلایلی که حق مشارکت بزه‌دیدگان در دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا به رسمیت شناخته نشده، این بوده که اساسنامه و آیین دادرسی این محاکم بر اساس نظام ترافیعی نظام کامن لا تنظیم شده است. این نظام عدالت کیفری برای بزه‌دیدگان نقش پررنگی قائل نبوده و حتی بزه‌دیده را به‌عنوان یک طرف دعوا قلمداد نکرده و جایگاه او را صرفاً در سطح شاهد پایین آورده است. در این محاکم، به نقش ترمیمی و

1. See Prosecutor, Situation in the Democratic Republic of the Congo in **Prosecutor vs. Thomas Lubanga Dyilo**, Prosecution's Response to Request of Victims to Participate in the Appeal, pursuant to 'Order of the Appeals Chamber' of 4 December 2006 of 6 December 2006, Case No. ICC-01/04-01/06-757, paras. 11 et seq.
2. See Appeals Chamber, Situation in the Democratic Republic of the Congo in **Prosecutor vs. Thomas Lubanga Dyilo**, Decision of the Appeals Chamber of 12 December 2006, Case No. ICC-01/04-01/06-769, at page 3.

آشتی جویانه که ویژگی‌های نوینی در عدالت کیفری شمرده می‌شوند و نیز به هدف «اجازة بیان اظهارات» به بزه‌دیدگان کمتر توجه شده است. حال آنکه بدیهی است که حضور بزه‌دیدگان در دادگاه بهتر و مؤثرتر می‌تواند به حصول حقیقت، مطالبه غرامت، ترمیم و آشتی و سرانجام به بازگشت صلح و امنیت بینجامد. در مجموع عملکرد این محاکم نسل دومی، از نگاه قربانیان ناامیدکننده و قابل سرزنش است.

بزه‌دیده‌محور بودن نظام عدالت ترمیمی و تجارب محاکم کیفری اختصاصی، جملگی راه را برای ارتقا و تعالی جایگاه بزه‌دیده در دیوان کیفری بین‌المللی هموار ساخت. بررسی‌ها بیانگر این است که اگرچه مشارکت بزه‌دیدگان در دیوان در نظام حقوق کیفری بین‌المللی نوآوری شمرده شده و به این دلیل دیوان نسبت به دیگر محاکم بین‌المللی پیش‌گام است، اما در عین حال، این مشارکت با محدودیت‌های بسیاری روبروست.

رویه قضایی دیوان در زمینه مشارکت بزه‌دیدگان، تاکنون از تفسیر موسع حقوق مشارکتی حمایت کرده است. این تفسیر گسترده را بیش از هر چیز در تبیین مفهوم بزه‌دیده و حقوق مشارکتی در مراحل مختلف رسیدگی‌ها شاهد هستیم. هرچند تصمیمات شعب مختلف دیوان در مراحل رسیدگی مقدماتی، دادرسی و تجدیدنظر، بسیاری از پرسش‌ها و ابهام‌ها پیرامون مشارکت را به بحث و بررسی گذاشته، اما همچنان موضوعات مهم حل‌نشده مناقشه‌برانگیز زیادی باقی مانده است. در مقررات، ساختار و عملکرد دیوان کیفری بین‌المللی، چالش‌ها و محدودیت‌های دیگری برای مشارکت وجود دارد که کم‌وبیش از آن‌ها انتقاد شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: نخست، محدود بودن حمایت‌های مالی برای مشارکت و تأمین هزینه‌های نمایندگی قانونی بزه‌دیدگان؛ دوم، مشکلات ناشی از ناکافی بودن اطلاع‌رسانی و توسعه آگاهی‌های عمومی و خدمات؛ سوم، بهره‌مند نشدن خود شخص بزه‌دیده از برخی حقوق مشارکتی همچون حق حضور در جلسات غیرعلنی و حق طرح پرسش از گواهان، کارشناسان و متهمان و انحصار این حقوق به نمایندگان قانونی بزه‌دیدگان؛ چهارم، نداشتن حق در آغازگری دعوا و در نهایت صراحت نداشتن حق تجدیدنظر خواهی جز در زمینه تصمیمات مربوط به جبران خسارت.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۴)، بزه‌دیده شناسی حمایتی، چ اول، تهران، دادگستر.
۲. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۵)، «تحول حقوق جهانی بزه دیدگان بر پایه اصل هم ترازوی حقوق بزه دیده و متهم در بستر دادرسی عادلانه»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶ و ۵۷، ص ۱۸۴-۱۳۷.
۳. رضوی فرد، بهزاد و فقیه محمدی، حسن (۱۳۹۰)، «تکامل حقوق بزه دیدگان از منظر مقررات موضوعه دیوان کیفری بین‌المللی»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۵، ص ۲۳۳-۱۹۵.
۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ غلامی، حسین؛ محمودی، فیروز (۱۳۸۴)، «میزگرد عدالت برای بزه دیدگان»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲ و ۵۳، ص ۷۲-۹.

ب) انگلیسی

5. Aldana-Pindell, Raquel.(2004) "An Emerging Universality of the Justiciable Victims' Rights to the Criminal Process to Curtail Impunity for State-Sponsored Crimes" *Human Rights Quarterly* 26 : pp. 605-686.
6. Bassiouni, M. Cherif.(2006) "International Recognition of Victims' Rights" *Human Rights Law Review* 6(2) : pp. 203-279.
7. Bottigliero, I. (2004). *Redress for Victims of Crimes Under International Law*. Leiden/Boston, Martinus Nijhoff Publishers. At page 37
8. Chifflet, Pascal.(2003) *The Role and Status of the Victim in: International criminal law: developments in the case law of the ICTY*. W. A. Schabas and G. Boas. Leiden, Martinus Nijhoff : pp. 75-111.
9. Clark, Roger S.; Tolbert, David.(1999) *Toward an International Criminal Court in: The Universal Declaration of Human Rights: fifty years and beyond*. Y. Danieli, E. Stamatopoulou and C. J. Dias. Amityville, New York, Baywood Publishing Company : pp. 99-112.
10. Dembour, Marie-Bénédicte; Haslam, Emily.(2006) "Silence Hearings? Victim-Witnesses at War Crimes Trials" *European Journal of International Law* 15(1) (2004): pp. 151-177. 4(1) : pp. 2-11.
11. Doak, John.(2005) "Victims' Rights in Criminal Trials: Prospects for Participation" *Journal of Law and Society* 32(2) : pp. 294-316.
12. Donat-Cattin, D. (1999). Art. 68 "Protection of victims and witnesses and their participation in the proceedings". *Commentary on the Rome Statute of the International Criminal Court*. *Observers' Notes Article by Article*.
13. Garner, Bryan A.(1999) *Black' s Law Dictionary*. St. Paul, Minnesota, West Group.
14. Glickman, Steven.(2004) "Victim's Justice: Legitimizing the Sentencing Regime of the ICC: Dorsey and Whitney Student Writing Prize in Comparative and International Law Best Note Award Winner" *Columbia Journal of Transnational Law* 43 : pp. 229-268.
15. Harhoff, Frederik, (2001) *The Role of the Parties Before International Criminal*

- Courts in Light of the International Criminal Tribunal for Rwanda in: International and National Prosecution of Crimes Under International Law. H. Fischer, C. Kreß and S. R. Lüder. Berlin, Berlin Verlag : pp. 604 et seq.
16. Marchesiello, Michele. (2002) Proceedings before the Pre-Trial Chambers in: The Rome Statute of the International Criminal Court: A Commentary. A. Cassese, P. Gaeta and J. R. W. D. Jones. Oxford, Oxford University Press. 2 : pp. 1231-1246
 17. McDonald, Avril.(2002) The Role of Victims and Witnesses in International Criminal Trials in: Treaty Enforcement and International Cooperation in Criminal Matters with special reference to the Chemical Weapons Convention. R. Yepes-Enriques and L. Tabassi. The Hague, T.M.C. Asser Press : pp. 257-276.
 18. Mekjian, Gerard J.; Varughese, Mathew C. (2005) "Hearing the victim's voice: analysis of victims' advocate participation in the trial proceeding of the International Criminal Court." Pace International Law Review 17 : pp. 1-46.
 19. Mouthaan, Solange. (2013) victim participation at the ICC for victims of gender-based crimes: a conflict of interest. 21 Cardozo Journal of International & Comparative Law. 619- 651.
 20. Nainar, Vahida.(1999)"Giving victims a voice in the International Criminal Court" UN Chronicle(4).
 21. Olasolo, Hector.(2005) The Triggering Procedure of the International Criminal Court. Leiden, Boston, Martinus Nijhoff Publishers.
 22. Tobolowsky, Peggy M.(2001) Crime victim rights and remedies. Durham, Carolina Academic Press.
 23. van Boven, Theo.(1999) The Perspective of the Victim in: The Universal Declaration of Human Rights: fifty years and beyond. Y. Danieli, E. Stamatopoulou and C. J. Dias. Amityvill, New York, Baywood Publishing Company.